



سوتلانا آلكساندرونا آلكسيويچ

حنگ

چهره‌ی زنانه ندارد

ترجمه از روسی: عبدالمجید احمدی

- جهان‌نو -

سرشناسه: الکسی ویچ، اسوتلانا، ۱۹۴۸ م.

Aleksievich, Svetlana

عنوان و نام پدیدآور: جنگ چهره‌ی زنانه ندارد / سوتلانا الکسیه، ترجمه‌ی عبدالمجید احمدی

مشخصات نشر: تهران، نشر چشمه، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: ۳۶۴ ص.

شابک: 4-663-229-600-978

یادداشت: عنوان اصلی: [© 1969] Только один год

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: داستان‌های روسی -- قرن ۲۰ م.

شناسه‌ی افزوده: احمدی، عبدالمجید، ۱۳۶۲، Abdolmajid, Ahmadi، مترجم

رده‌بندی کنگره: ۹۱۳۹۴ ج ۱۷ / PG۳۴۷۵

رده‌بندی دیوینی: ۷۳۴۴ / ۸۹۱

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۴۱۴۹۰۸۸



cheshmehpublication



telegram.me/cheshmehpublication

www.cheshmeh.ir

رده‌بندی نشر چشمه: ادبیات - نادرستان غیر فارسی - مستندنگاری روسی

جنگ چهره‌ی زنانه ندارد
سوتلانا الکساندرونا الکسیویچ
ترجمه‌ی عبدالمجید احمدی
ویراستار: مهدی یزدانی خرم

مدیر هنری: مجید عباسی

لیتوگرافی: باختر

چاپ: دالاهو

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

بازار اول - ایستاد: ۱۲، تهران

ناشر: انتشارات دالاهو و سلف امیرکلیان

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر چشمه است.

هرگونه اقتباس و استفاده از این اثر، مشروط به دریافت اجازه‌ی کتبی ناشر است.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۹-۶۶۳-۴

تلفن دفتر انتشارات نشر چشمه:

۸۸۹۱۲۱۸۴-۵

دفتر فروش نشر چشمه:

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ابوریحان، خیابان وحید نظری، شماره ۱۰۷

تلفن: ۶۶۴۹۲۵۲۴

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی مرکزی:

تهران، خیابان کریم‌خان زند، نبش میروزی شیرازی، شماره‌ی ۱۰۷

تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی گورش:

تهران، بزرگراه ستاری شمال، نبش خیابان پیامبر مرکزی، مجتمع تجاری کورش، طبقه‌ی پنجم، واحد ۴

تلفن: ۴۴۹۷۱۹۸۸-۹۰

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی آرن:

تهران، شهرک قدس (غرب)، بلوار فرحزادی، ترسیده به بزرگراه نیایش، خیابان حافظی، نبش خیابان فخارمقدم،

مجتمع تجاری آرن، طبقه‌ی ۲

تلفن: ۷۵۹۳۵۴۵۵-۷

فهرست

۹	مقدمه‌ی مترجم
۱۱	زن‌ها کی برای اولین بار در ریح وارد ارتش شدند؟
۱۳	انسان بزرگ‌تر از جنگ است
۳۳	نمی‌خواهم حتماً به خاطر بی‌اورم
۵۹	دخترها، بزرگ شوید، بالغ شوید... شما سوز خامید...
۷۴	بوی ترس و چمدان آب‌نبات
۱۷۶	من این چشم‌رو امروز هم به خاطر می‌آورم
۲۱۸	نیاز به سرباز بود... اما من می‌خواستم زیبا هم باشم

مقدمه‌ی مترجم

کتابی که ترجمه آن خدمت خوانندگان محترم تقدیم می‌شود، در چند سال اخیر به یکی از مشهورترین کتاب‌های جهان با موضوع جنگ تبدیل شده است. این کتاب در واقع بخش اول پنج‌گانه‌ی «تلاش آلکساندر و ناآکسیویچ با عنوان صداهایی از آرمان‌شهر محسوب می‌شود. نویسنده در مقدمه‌ی خود توضیح مفصل و جامعی درباره‌ی محتوای کتاب و خصوصاً نحوه‌ی جمع‌آوری مطالب موردنیازش ارائه می‌دهد و طبیعتاً نیازی به توضیح بیشتر در این باره نیست.

کتاب حاضر به جنگ جهانی دوم می‌پردازد. در واقع در این کتاب جنگ جهانی دوم از نگاه زنان روسی توصیف می‌شود که تجربه‌ی حضور در این جنگ را داشته‌اند؛ زاویه دیدی که کمتر موردتوجه قرار گرفته است. نویسنده بر لایه‌های سطور این کتاب صداها و ناله‌هایی را که تازه حال شنیده نشده بوده، به گوش خواننده می‌رساند و بعضی از زوایای پنهان جنگ را روشن می‌کند. جنگ و تخیل در یک ظرف نمی‌گنجند. جنگ میدان واقعیت است؛ نمی‌توان گوشه‌ای نشست و جنگ را تصور و تخیل کرد. بهترین شیوه‌ی توصیف جنگ نقل قول کسانی است که در میدان حضور داشته‌اند. نویسنده در کتاب از تجربیات روزنامه‌نگاری خویش بهره گرفته و شیوه‌ی مصاحبه و انتقال بی‌کم‌وکاست توصیفات شاهدان عینی را برای ارائه‌ی نگاه زنانه به جنگ برمی‌گزیند. زیرا او پیش از آنکه نویسنده باشد، یک روزنامه‌نگار حرفه‌ای است و به واسطه‌ی شغلش همواره ترجیح می‌دهد با حقایق عریان سروکار داشته باشد. چیزی که این اثر را نسبت به بسیاری

از آثار جنگی متمایز می‌کند، پدیده‌ی چندصدایی است. در این کتاب حتی یک آشپز و رخت‌شوی ساده هم توانسته‌اند نظرشان را نسبت به جنگ بیان کنند. هر کس صدای خود را دارد و با آن سخن می‌گوید. نویسنده از تضارب آرا نمی‌ترسد. چندصدایی است که سطور این کتاب را قابل‌باور می‌کند. قهرمانان این کتاب قدیس و ابرآنان‌ها نیستند، بلکه مردمی عادی‌اند. زبان‌شان زبان ساده و کوچه‌بازاری است. آن‌ها شاعر و فیلسوف و سیاستمدار نیستند. ساده و رک حرف‌شان را می‌زنند. و دقیقاً به این خاطر سبک که محاوره‌شان در ترجمه‌ی فارسی نیز لحاظ شده تا کتاب را برای خواننده بسیار نزدیک و قابل‌درک کند.

جنگ برای همه‌ی ملت‌های جهان موضوعی آشناست. همواره در گوشه‌ای از دنیا شاهد جنگ هستیم. جنگ برای مردم کشور ما نیز واژه‌ی غریبی نیست و هنوز مدت زیادی از جنگ جهانی دوم نگذشته است. باشد که این قهرمانان را بیش‌ازپیش دریابیم و صدای‌شان را، تا زنده‌اند، بشنوم.

عبدالمجید احمدی

آذر ۱۳۹۴